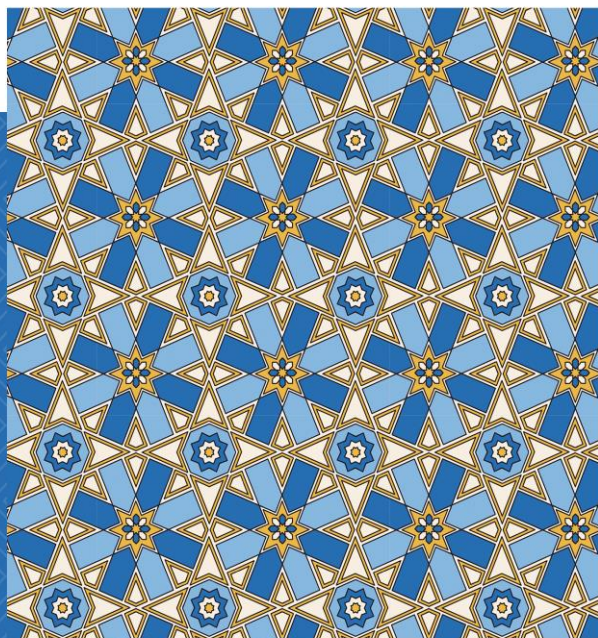


وَجُوبَ عَمَلٍ بِسُنَّتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
وَكُفْرَ كَسَى كَمَا أَنْكَارُ كُنْدِ



نویسنده: علامه عبدالعزیز بن باز
مترجم: اسحاق دبیری

وَجُوبِ عَمَلٍ بِهٖ سُنَّتِ رَسُوْلِ اللّٰهِ ﷺ
وَكُفْرِ كَسِيٍّ كِهْ اَنْ رَا اِنْكَارِ كُنْدِ

تألیف

علامه عبدالعزیز بن عبداللہ بن باز

ترجمہ

اسحاق دبیری

عنوان کتاب: وجوب عمل به سنت رسول الله ﷺ و کفر کسی که آن را انکار کند

عنوان اصلی: وجوب العمل بسنة الرسول صلى الله عليه وسلم
و کفر من أنکرها

تألیف: علامه عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

ترجمه: اسحاق دبیری /

موضوع: حدیث و سنت - تاریخ و اصول علم حدیث و رجال

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۴۰۳ ه.ش - ربیع الآخر ۱۴۴۶ ه.ق

منبع: کتابخانه رشد

این کتاب از سایت کتابخانه الکترونیکی رشد دانلود شده است.

آدرس های اینترنتی کتابخانه رشد:

www.roshdlib.com

www.roshdlib.net

www.roshdlib.org

رسانه های اجتماعی:



roshdlib

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

فهرست أ

مقدمه مترجم ١

مقدمه مؤلف ٧

أصل دوم: ١٢

مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَغِينَهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ
أَنْفُسَنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مِنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مَضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ
فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ
تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ أَمَّا بَعْدُ:

علم حدیث و سنت رسول الله ﷺ علمی است که بوسیله آن
أقوال و أفعال و أحوال و کردار پیغمبر ﷺ شناخته می‌شود.

سنت یعنی چه؟

در لغت: روش خوب و بد سنت گفته می‌شود چنانکه رسول الله
ﷺ فرمودند: «مَنْ سَنَّ سَنَةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى
يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ سَنَّ سَنَةً سَيِّئَةً فَعَلِيهِ وَزَرْهَا وَوَزَرَ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى
يَوْمِ الْقِيَامَةِ». [مسلم].

کسی که سنت و روش خوب بنیان نهد أجر و پاداش آن سنت و
پاداش کسی که به آن عمل کند، تا روز قیامت به او میرسد، و کسی

که سنت و روش بدی بنیان نهد گناه آن کردار و گناه کسی که آن کاربرد را انجام می‌دهد تا روز قیامت به بانی آن می‌رسد.

در اصطلاح محدثین: مجموعه گفتار و کردار و تأیید و وصف کیفیت خَلْقی و خُلُقی ثابت شده از پیغمبر ﷺ چه قبل از بعثت، و چه بعد از آن، سنت گفته می‌شود.

در اصطلاح اصولیین: قول، فعل، و تقریر یعنی احوال نقل شده از رسول الله ﷺ سنت نام دارد.

مثال قول: گفتار پیامبر ﷺ در هر مناسبتی، و آنچه متعلق است به شرح احکام چنانکه فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ». [متفق علیه].

در حقیقت اعمال و کردار به نیت بستگی دارد.

مثال افعال و کردار: آنچه صحابه از افعال و کردار رسول الله ﷺ در عبادات و غیره مانند آدای نماز و بجای آوردن حج و آداب روزه و حُکم و قضاوت کردن در کیفرها و عقوبت‌ها و مجازات إلهی نقل کرده‌اند.

مثال تقریر پیغمبر: اگر از صحابه فعلی صادر می‌شد و پیامبر ﷺ در برابر آن سکوت می‌کرد، و یا آن را تأیید می‌نمود، و یا اینکه آن کار را تمجید می‌کرد، این چیز تقریر نام دارد.

بحث در سنت مصطفی ﷺ امری بسیار با اهمیت است، و سنت یکی از مصادر تشریع اسلامی است، خصوصاً وقتی می‌بینیم دشمنان اسلام برای امت اسلامی توطئه می‌کنند و می‌خواهند در مورد سنت مصطفی ﷺ در دل مسلمانان شک و تردید ایجاد نمایند، زیرا ما در عصری هستیم که نظام عالم مضطرب و آشفته است و از ایجاد راه حلی صلح آمیز برای جهانیان عاجز مانده است. و عقیده ما مسلمانان بر این است که هیچ راهی برای سعادت دنیوی و آخروی وجود ندارد بجز رجوع به تعالیم مبین اسلام پاک از تحریف و تبدیل و تغییر، چنانکه رسالت محمدی آن را برای ما از نزد خداوند آورده است.

مصادر تشریع اسلامی در بین مسلمانان ظاهر و آشکار و محفوظ و معروف است.

و جای هیچ شک و تردیدی نیست که سنت مطهر پیامبر اسلام ﷺ دومین مصدر تشریع بعد از کتاب خدا قرآن می باشد، زیرا غالباً قرآن شامل قواعد عامه و احکام کلی در تشریع اسلامی است، و سنت مطهر شرح دهنده این قواعد و کلیات می باشد.

این برای کسی واضح و روشن می گردد که دسترسی به سنت مطهر رسول اکرم ص را دارد و آن را در معرض عمل قرار داده است. در قدیم سنت مطهر از طرف فرقه های گمراه و ملحد مورد حمله قرار گرفته، همچنین در عصر حاضر نیز مورد هجوم بعضی از مستشرقین و خاورشناسان متعصب و مبلغین دین یهود و نصاری و استعمار زده قرار گرفته، آنهم برای ایجاد فتنه و هدم این رکن بزرگ و اساس اسلامی است، و متأسفانه بعضی از کسانی که مسلمان غرب زده اند به آنان کمک کرده به سنت مطهر طعنه زده و می زنند، از جمله این مسلمان نمایان نویسندہای بنام ابو ریه می باشد که در کتاب خود (أضواء علی السنة المحمدية) که مصادر و مراجع او بیشتر از آراء معتزله و آراء مستشرقین و از غلات

فرقه‌های گمراه اسلامی است به تشکیک در سنت مطهر رسول اکرم ﷺ مبادرت ورزیده است.

و ما به سبب این کتاب را که روشنگر اهمیت سنت مطهر رسول الله ﷺ می‌باشد، برای فارسی زبانان جهان ترجمه کرده تا اینکه بتوانند با خواندن و مطالعه آن به اهمیت سنت مطهر پی برند، ناگفته نماند که این کتاب که: (وجوب العمل بسنة الرسول ﷺ و کفر من أنکرها)، (وجوب عمل به سنت رسول الله ﷺ و کفر کسی که آن را انکار کند) نام دارد از نوشته عالم و دانشمند بزرگ اسلامی علامه الشیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز مفتی عام عربستان سعودی است.

امیدواریم توانسته باشیم بوسیله ترجمه این کتاب خدمتی به دین مبین اسلام کرده باشیم. قبلاً از خوانندگان محترم از اشتباهات احتمالی در ترجمه و چاپ پوزش می‌طلبیم، چون کسی بجز انبیاء و پیامبران علیهم الصلاه والسلام معصوم نیست. و بشر مایه اشتباه است.

از خداوند مسئلت داریم که آن را خاص برای رضای و خشنودی
خود قرار دهد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.
وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه.

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على عبده ورسوله نبينا محمد المرسل رحمة للعالمين وحجة على العباد أجمعين وعلى آله وأصحابه الذين حملوا كتاب ربهم سبحانه وسنة نبيهم ﷺ إلى من بعدهم بغاية الأمانة والإتقان والحفظ التام للمعاني والألفاظ وأرضاهم وجعلنا من أتباعهم بإحسان.

أما بعد:

علمای اسلام در قدیم و جدید اتفاق کرده اند که اصول و اساس معتبر در اثبات احکام شرعی و بیان حلال و حرام در درجه اول قرآن کتاب خدا است که: (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ) (فصلت: ۴۲).

[باطل از هیچ سمت و سو در آن راه نمی یابد].

سپس سنت رسول الله ﷺ که از هوی و هوس صحبت نمی کند، بلکه وحی است که خداوند بر او نازل فرموده است.

سپس اجماع علمای اُمتِ اسلامی است.

و علماء در اُصول دیگر اختلاف کرده اند که از مهم ترین آن ها قیاس می باشد.

و جمهور اهل علم بر این هستند که قیاس حجت است اگر شروط معتبر آن کامل باشد.

و دلیل بر این اُصول بسیار است که شمارش نمی توان کرد و شهرتش بیش از آن است که ما آن را در اینجا ذکر کنیم.

أما أصل أول: قرآن کتاب خدا است که در بعضی از جاها این کتاب به وجوب اتباع و پیروی و تمسک و چنگ زدن به آن، و توقف کردن در حدود قوانین الهی دلالت می کند.

خداوند می فرماید: (اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ) (الأعراف: ۳).

[از آنچه از (جانب) پروردگارتان به سوی شما فروفرستاده شده است، پیروی کنید به جای او از دوستان (و سرورانِ دیگر) پیروی می کنید. چه اندک پند می پذیرید].

و می‌فرماید: (وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (الأنعام: ۱۵۵).

[و این کتابی مبارک است که ما آن را نازل کرده ایم، پس از آن پیروی کنید و پروا دارید تا مورد رحمت قرار گیرید].

و همچنین می‌فرماید: (قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵) يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۶)) (المائدة: ۱۵-۱۶).

[به راستی از طرف خدا برای شما نور و کتابی روشن آمده است. خداوند با آن کسی را که خشنودی او را بجوید به راه‌های نجات هدایت می‌کند و آنان را به توفیق خود از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد و آنان را به راه راست هدایت می‌کند].

و می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالدِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (۴۱) لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲)) (فصلت: ۴۱-۴۲).

[بی گمان کسانی که قرآن را -چون به آنان رسید- انکار کردند (از ما نهان نیستند) و به راستی آن کتابی گرانقدر است. باطل از هیچ

سمت و سودر آن راه نمی‌یابد از (سوی) فرزانه ستوده فروفرستاده شده است].

و همچنین خداوند می‌فرماید: **(وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ)** [الأنعام: ۱۹].

[و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما را و کسی را که (پیامش) به او برسد، بیم دهم].

و همچنین می‌فرماید: **(هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ)** [ابراهیم: ۵۲].

[این پیام‌رسانی‌ای برای مردم است و تا به آن هشدار یابند]. و آیات در این معنا زیاد است.

و احادیث صحیح و ثابت از رسول الله ﷺ وارد شده که به تمسک و چنگ زدن به قرآن و اعتصام و پیروی از آن امر می‌فرماید، و دلالت می‌کند که هرکس به آن تمسک و چنگ بزند بر هدایت است، و هرکس آن را ترک کند برگمراهی است.

و از دلایل آن خطبه حجة الوداع است که رسول الله ﷺ چنین می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ مَا لَنْ تَضَلُوا إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ كِتَابُ اللَّهِ». [مسلم].

من بین شما چیزی گذارده‌ام که اگر به آن اعتصام کرده و چنگ بزنید و عمل کنید هرگز گمراه نخواهید شد، و آن کتاب خدا (قرآن) است.

و همچنین در صحیح امام مسلم از زید بن أرقم‌س روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ أُولَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَتَمَسَّكُوا بِهِ».

من بین شما دو چیز سنگین و عظیم به امانت گذارده‌ام یکی کتاب خدا است، هدایت و پیروزی و نور در آن است، آن را محکم بگیرید و به آن چنگ بزنید.

پس مردم را بسوی کتاب خدا تحریک و تشویق نمود سپس فرمود: «وَأَهْلُ بَيْتٍ رَافِعٌ فَيُحْمَلُ عَلَى كَتِفَيْكَ» درباره اهل بیت از خدا بترسید، و آن را دوبار تکرار کرد.

و در لفظ دیگر: قرآن ریسمان خدا است، کسی که به آن تمسک ورزد و چنگ بزند او بر راه راست هدایت خواهد بود، و کسی که آن را ترک کند بر گمراهی است.

إجماع علماء و مؤمنین أعم از صحابه و آنانیکه بعد از آنها آمده‌اند در مورد وجوب تمسک به کتاب خدا و حکم و قضاوت به آن همراه سنت رسول خدا ﷺ کافی است، و نیازی به آوردن دلایل در این مورد و طولانی کردن مطلب نیست.

أصل دوم: از أصول سه گانه که علمای اسلام بر آن اتفاق و إجماع دارند سنت صحیح رسول الله ﷺ است، و کسانی که بعد از رسول الله ﷺ آمده‌اند به آن أصل و أساس ایمان آورده و آن را حجت قرار داده و به أمت محمدی آموزش داده‌اند، و کتاب‌های بسیاری در این باره تألیف کرده‌اند، و آن را در کتاب‌های أصول فقه، و مصطلح حدیث بیان نموده‌اند.

و دلایل در این مورد بسیار زیاد است بطوریکه نمی‌توان آن‌ها را در حصر و شمار آورد، بعضی از این دلایل در کتاب خداوند، قرآن مجید وارد شده‌اند و دستور به پیروی و اطاعت از رسول خدا ﷺ

می‌دهند و مورد خطاب این دستورات اُمت رسول خدا ﷺ در عصر او و کسانی که بعد از او می‌آیند، قرار می‌گیرد.

زیرا او برای تمامی جهانیان فرستاده شده و آن‌ها مأمورند تا روز قیامت تابع و پیرو او باشند، و اوص مفسر و بیان کننده قرآن است، و مبهم آن با اقوال و کردار و تقریرات او بیان شده است.

و اگر سنت پیامبر ﷺ نبود مسلمانان تعداد رکعات نماز، چگونگی آن، و واجبات نماز را نمی‌دانستند، و تفصیل و شرح احکام روزه، و زکات، و حج، و جهاد در راه خدا، و امر به معروف و نهی از منکر را نمی‌دانستند، و شرح احکام معاملات از خرید و فروش، و محرمات از حلال و حرام، و واجبات را در مورد کیفرها و مجازات‌های شرعی نمی‌دانستند.

و از جمله آیاتی که در این باره نازل شده خداوند می‌فرماید:

(وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (آل عمران: ۱۳۲).

[و از خدا و رسول (او) فرمان برید تا مشمول رحمت قرار گیرید].

و می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ

كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (النساء: ۵۹).

[ای مؤمنان، از خداوند اطاعت کنید و از رسول (او) و صاحبان امرتان (هم) اطاعت کنید هرگاه در چیزی اختلاف کردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک انجام‌تر است].

و می‌فرماید: (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا) (النساء: ۸۰).

[هرکس از رسول (خدا) اطاعت کند، در حقیقت از خداوند فرمان برده است. و کسی که روی گرداند، (بدان که) تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم].

چگونه ممکن است طاعت او و بازگردانیدن آنچه مردم در آن اختلاف کرده‌اند به کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ باشد اگر احتیاج به سنت رسول الله ﷺ نشود؟ یا اینکه تمام سنت محفوظ نباشد؟ و بنابراین قول باری تعالی بندگان خود را بر چیزی ارجاع

داده که وجود ندارد! و این از باطل ترین و پوچ ترین دروغ‌ها است،
و از بزرگترین کفرها به خدا و سوء ظن به اوست.

خداوند می‌فرماید: (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (النحل: ۴۴).

[و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که
بر آنان فروفرستاده شده است، و باشد که اندیشه کنند].

و همچنین می‌فرماید: (وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ
الَّذِي اُخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) (النحل: ۶۴).

[و کتاب را بر تو فروفرستادیم مگر (از آن روی) تا آنچه را که در
اختلاف ورزیدند، برایشان روشن سازی و (نیز برای) راهنمایی و
بخشایش برای گروهی که ایمان می‌آورند].

پس چگونه خداوند بیان قرآن نازل شده را به رسول الله ﷺ
واگذار می‌کند، اگر سنت وجود نداشته باشد، یا اینکه حجت و
ثابت نباشد!

مثال این خداوند می فرماید: (قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ) [النور: ۵۴].

[بگو: از خداوند فرمان برید و از رسول (او نیز) فرمان برید. و اگر روی بگردانند، بر (عهده) او (پیامبر) تنها همان است که به آن مکلف شده است و بر (عهده) شماست آنچه تکلیف یافته اید. و اگر از او فرمان برید راه خواهید یافت. و بر (عهده) رسول (ما) جز پیام رسانی آشکار نیست].

و می فرماید: (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) [النور: ۵۶].

[و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و از رسول (خدا) فرمان برید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید].

و خداوند می فرماید: (قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) [الأعراف: ۱۵۸].

[بگو: ای مردم، من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم، کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، معبود (حق) جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خداوند و رسول او، آن پیامبر درس ناخوانده‌ای که به خداوند و سخنان او ایمان دارد، ایمان آورید و از او پیروی کنید، باشد که راه یابید].

و در این آیات دلیل واضحی است که هدایت و رحمت در اتباع و پیروی از رسول الله ﷺ می‌باشد.

و این چگونه ممکن است با عمل نکردن به سنت او؟ یا اینکه گفته شود سنت او صحیح نیست! و یا گفته شود نمی‌توان بر آن سنت اعتماد کرد!

و می‌فرماید: (فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) [النور: ۶۳].

[پس باید آنان که برخلاف فرمان او رفتار می‌کنند از آن برحذر باشند، که بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناک گریبانگیرشان شود].

و خداوند می‌فرماید: (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا) [الحشر: ۷].

]](در اینجا یک قاعده مهم مقرر داشته و آن تبعیت رهبر مسلمین از نصوص شریعت) و آنچه که رسول (خدا) به شما بدهد، آن را بگیرید. و از آنچه که شما را از آن باز دارد، باز آیید].

و آیات در این موضوع و مطلب بسیار است و همه آن‌ها بر وجوب اطاعت رسول الله ﷺ و بر پیروی از آنچه او آورده دلالت می‌کنند، چنانکه قبلاً دلیل بر وجوب اتباع کتاب خدا و تمسک به آن طاعت و أوامرو نواهی ذکر کردیم، و این دو اصل و اساس ملازم و وابسته به هم هستند و از هم جدا شدنی نیستند، هرکس یکی از آن دو را انکار کند مانند اینکه دیگری را انکار و دروغ دانسته، و این به اجماع اهل علم و ایمان کفر و گمراهی و خروج از دایره اسلام می‌باشد.

و احادیث در وجوب اطاعت رسول خدا ﷺ و اتباع و پیروی از آنچه آورده و تحریم معصیت او بطور متواتر وارد شده است؛ و آنهم در حق کسیکه در زمان او بوده و بعد از او تا روز قیامت خواهد آمد.

و از جمله این احادیث، حدیث اَبی هریره رضی الله عنه که رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ أَطَاعَنِیْ فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصَانِیْ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ». [متفق علیه].

کسی که از من اطاعت کند، مانند اینکه از خدا اطاعت کرده، و کسی که از من نافرمانی کند، مانند اینکه خدا را معصیت و نافرمانی کرده است.

و همچنین ابوهریره روایت می کند که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «كُلُّ أُمَّتِيْ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَمَنْ يَأْبَى قَالَ: مَنْ أَطَاعَنِیْ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِیْ فَقَدْ أَبَى». [البخاری].

همه اُمت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسیکه خود از دخول آن امتناع ورزد، گفته شد ای رسول الله چه کسی است که از دخول آن امتناع می ورزد؟ فرمود: کسی که از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد، و کسی که از من نافرمانی کند، او همان کسی است که خود از دخول آن امتناع ورزیده است.

و أحمد و أبوداود و حاکم با إسناده صحیح از رسول الله ﷺ فرمودند: «أَلَا إِنِّيْ أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ، أَلَا يَوْشِكُ رَجُلٌ شَبْعَانِ

على أريكته يقول عليكم بهذا القرآن، فما وجدتم فيه من حلال فأحلوه، وما وجدتم من حرام فحرّموه». [أحمد، أبوداود، حاكم، با سند صحيح].

همانا به من قرآن، و مثل و مانند آن (یعنی: سنت رسول الله ص) داده شده است، همانا بزودی مردی سیر خورده و تکیه زده بر متکا و بالشت خود که بگوید: بر شماست که فقط پیرو قرآن باشید، و هر چه در آن از حلال یافتید، پس آن را حلال بدانید، و آنچه در آن از حرام یافتید، آن را حرام بدانید!

أبو رافع از پدرش روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمودند: «لا ألفين أحدكم متكئاً على أريكته يأتيه الأمر من أمري مما أمرت به أو نهيت عنه فيقول لا ندرى، ما وجدنا في كتاب الله اتبعناه». [أبوداود وابن ماجه با سند صحيح].

نبینم که یکی از شما بر بالشت خود تکیه زده و امری از او امری که من به آن امر کرده ام، و یا از آن نهی کرده ام بر او آید و او گوید: نمی دانم! فقط آنچه در کتاب خدا پیدا کردیم قبول خواهیم کرد.

^۱ یعنی حدیث و سنت پیامبر ص را قبول نکنید.

و حسن بن جابر از مقدم بن معدی کرب رضی الله عنه روایت می‌کند که می‌گوید: «حَرَّمَ رسول الله ﷺ یومَ خَیْبَرِ اَشْیَاءَ ثُمَّ قَالَ یُوشِکُ اَحَدُکُمْ اَنْ یَّکْذِبَنِی وَهُوَ مُتَکِّیٌ یَحْدُثُ بِحَدِیْثِی فِیَقُوْلُ بَیْنَنَا وَبَیْنَکُمْ کِتَابُ اللّٰهِ فَمَا وَجَدْنَا فِیْهِ مِنْ حَلَالٍ اسْتَحْلَلْنَاهُ، وَمَا وَجَدْنَا فِیْهِ مِنْ حَرَامٍ حَرَمْنَاهُ، اِلَّا اِنَّ مَا حَرَّمَ رَسُوْلُ اللّٰهِ مِثْلُ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ».

[ترمذی وابن ماجه و حاکم].

رسول الله ﷺ روز غزوه خیبر چیزهائی را حرام کرده، سپس فرمود: پیدا می‌شود یکی از شما که مرا تکذیب کند در حالیکه بر بالشت خود تکیه زده و از سخنان من صحبت می‌کند، سپس می‌گوید: بین ما و شما کتاب خدا است، هر چه در آن حلال یافتیم، آن را حلال می‌دانیم، و آنچه در آن حرام یافتیم، آن را حرام می‌دانیم، بدانید که همانا آنچه رسول الله ﷺ حرام کرده مانند آن چیزی است که خداوند آن را حرام فرموده است.

و أحادیثی بطور متواتر از رسول الله ﷺ ثابت است که در خطبهٔ خود وصیت می‌فرمود که: **حَاضِرِیْنَ بِهٖ غَائِبِیْنَ اَبْلَغُ کُنْدِ، وَ**

می فرمود: ممکن است ابلاغ شده‌ای برداشت بیشتر و دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

و از آن احادیث متواتر: حدیثی در صحیحین است که رسول الله ﷺ در حجه الوداع در خطبه خود در روز عرفه و روز عید قربان برای مردم چنین فرمودند: افراد حاضر به افراد غائب برسانند زیرا ممکن است کسی که به او ابلاغ شود دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

پس اگر سنت او بر شنندگان و ابلاغ شدگان حجت نبود، و اگر سنت او تا روز قیامت باقی نمی ماند، به آن ها دستور تبلیغ داده نمی شد.

پس معلوم می شود که دلیل بودن و حجت بودن سنت او همچنان پا بر جا است، بر شنونده‌ای که از زبان رسول الله ﷺ شنیده، و بر کسی که برای او با اُسانید صحیحه نقل شده است. و اصحاب و یاران پیامبر ﷺ سنت قولی و فعلی او را حفظ کرده اند و همچنین تابعین، سپس تابعین آن را ابلاغ کرده اند به نسل بعدی

خود، و همچنین علماء و دانشمندان ثقه که گفتار آنان مورد اعتماد می‌باشد نسل بعد از نسل، و قرن بعد از قرن نقل کرده‌اند. و آن را در کتاب‌های خود جمع آوری و بیان کرده‌اند و ضعیف آن را بیان کرده‌اند.

و برای شناخت احادیث صحیح و ضعیف قوانین و ضوابط معینی بین خود قرار داده‌اند تا بوسیله این قوانین صحیح و ضعیف احادیث شناخته شوند.

و علماء و دانشمندان، کتاب‌های سنت اعم از صحیح بخاری و مسلم و کتاب‌های دیگر را بخوبی و بطور کامل حفظ کرده‌اند، همچنانکه خداوند کتاب خودش (قرآن) را طبق وعده اش از بازیچه قرار گرفتن، و الحاد، و کفر کافران، و تحریف و تغییر یاوه گویان حفظ نموده است، چنانکه می‌فرماید: **(إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)** [الحجر: ۹].

[بی گمان ما قرآن را فروفرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم].

و جای هیچ شک و تردیدی نیست که سنت رسول الله ﷺ و وحی نازل شده است، و خداوند آن را حفظ فرموده، چنانکه کتاب خود قرآن را حفظ فرموده، و باری تعالی برای آن سنت علمائی نقاد و جداکننده خوب از بد برانگیخته که تحریف و تغییر و تبدیل باطل اندیشان و یاهو گویان، تعبیر و تفسیر جاهلان را از آن دور می‌کنند، و هر آنچه را که دروغگویان نادانان و ملحدان به آن چسبانیده‌اند دور می‌کنند، زیرا باری تعالی آن را تفسیری برای قرآن کتاب خود، و بیان آنچه مبهم و مشکل است از احکام قرار داده، و ضمن آن احکام دیگری است که نص آن در قرآن وارد نشده، مانند تفصیل و شرح احکام دوران شیرخوارگی بچه‌ها، و بعضی از احکام میراث، و تحریم جمع بین زن و عمه او، و بین زن و خاله او، و غیر از این از احکام که در سنت صحیح رسول الله ﷺ وارد شده و در قرآن از آن ذکری نیست.

ذکر بعضی از آنچه از صحابه و تابعین و أهل علم و دانش در تعظیم سنت رسول الله ﷺ و وجوب عمل به آن وارد شده در صحیحین از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت وقتی

رسول الله ﷺ دنیا را وداع گفتند بعضی از عرب کافر شدند، ابوبکر رضي الله عنه گفت: سوگند به خدا که جنگ خواهم کرد با کسیکه بین نماز و زکات فرق گذارد، عمر بن الخطاب رضي الله عنه به او گفت: چگونه با آنان جنگ می‌کنی در حالیکه رسول الله ﷺ فرمودند: «أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَإِذَا قَالُوهَُا عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بَحْثَهَا». [متفق علیه].

مأمور شده ام با مردم بجنگم تا اینکه بگویند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: معبود بحقى بجز خدای یکتا نیست، پس اگر آن را گفتند جان، و مال آنها، بجز به حق آن از من حفظ می‌شود.

و ابوبکر صدیق رضي الله عنه گفت آیا زکات از حق آن نیست؟ سوگند به خدا اگر گردن بند شتری که به رسول الله ﷺ می‌دادند از من منع کنند به خاطر منع آن، با آنان جنگ خواهم کرد، عمر رضي الله عنه گفت در نتیجه دانستم که خداوند سینه و قلب ابوبکر را برای جنگ روشن کرده و دانستم که او بر حق است.

^۱ یعنی بجز اینکه کارهائی انجام دهند و آن کار موجب شود با آنها جنگ بپردازم.

و صحابه ش رأى و مشورت أبوبكر رضي الله عنه برای قتال أهل ردت را قبول کردند و با او به جنگ پرداختند تا اینکه آنان را به اسلام برگردانند، و کسی که بر آن اصرار کرد او را کشتند.

و این قصه برای تعظیم و بزرگداشت سنت رسول الله ﷺ و وجوب عمل به آن واضح ترین دلیل است.

مادر بزرگی بسوی أبوبكر آمد و از میراث خود سؤال کرد، أبوبكر رضي الله عنه به او جواب داد که در کتاب خدا حقی برای تو در این باره وارد نشده، و نمی دانم که رسول الله ﷺ در این مسأله قضاوتی کرده باشد، و از مردم سؤال خواهم کرد، سپس از صحابه رضي الله عنهم سؤال کرد و بعضی از آنها شهادت دادند که رسول اکرم ﷺ مادر بزرگ را سهم یک ششم داده، پس أبوبكر رضي الله عنه به آن قول قضاوت کرد.

عمر رضي الله عنه عاملان خود را وصیت می کرد که بین مردم با کتاب خدا قضاوت و حکم کنند، و اگر در کتاب خدا آن حکم را نیافتند به سنت رسول اکرم ﷺ رجوع کنند، و وقتی در باره سقط جنین که در شکم مادر مرده است به سبب تعدی و ظلم به او

اشکال پیدا کرد از صحابه ش سؤال کرد، محمد بن مسلمه و المغیره بن شعبه رضي الله عنهما نزد او گوهی دادند که رسول الله ﷺ درباره این به آزاد کردن کنیزی و یا برده ای قضاوت کرده، پس عمر رضي الله عنه به آن حکم قضاوت کرد.

و وقتی عثمان رضي الله عنه حکم عزاداری زنی که شوهرش فوت کرده را نمی دانست کجا باید عزادار باشد، فریعه دختر مالک بن سنان خواهر أبوسعید الخدری رضي الله عنه به او خبر داد: رسول الله ﷺ به او امر فرمودند بعد از وفات شوهرش در خانه اش عزاداری کند تا اینکه حداد و عزای او تمام گردد پس عثمانس به همان حکم قضاوت کرد.

و همچنین در اجرای کیفر و عقوبت و مجازات و شلاق زدن بر شراب خواری ولید بن عقبه به سنت پیامبر ﷺ قضاوت کرد.

و وقتی به علی رضي الله عنه خبر رسید که عثمان رضي الله عنه از حج تمتع منع می کند، علی رضي الله عنه حج تمتع انجام داد. یعنی به حج و عمره با هم لبیک گفت. و فرمود: سنت رسول الله ﷺ را به خاطر قول و سخن یک نفر ترک نمی کنم.

و وقتی بعضی از مردم بر عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در مورد حج تمتع اعتراض کردند و گفتند: أبوبکر و عمر به حج افراد تشویق کرده و آن را مقدم می‌دانستند، عبدالله بن عباس رضی اللهما عنه گفت: می‌ترسم که سنگ‌هایی از آسمان بر شما پرتاب شود، من می‌گویم رسول الله ﷺ چنین فرمودند، و شما می‌گوئید أبوبکر و عمر چنین گفتند!

پس کسی که به خاطر قول أبوبکر و عمر با سنت مخالفت نماید، بیم آن می‌رود که دچار عذاب شود، پس حال کسانی که به خاطر قول غیر أبوبکر و عمر بمجرد به رأی و اجتهاد خود با سنت مخالفت می‌کنند، چه خواهد شد؟

و وقتی بعضی از مردم با عبدالله بن عمر بن الخطاب رضی الله عنهما در مورد بعضی از سنت‌ها اختلاف کردند، عبدالله رضی الله عنه گفت: آیا ما مأموریم که تابع عمر باشیم؟

و وقتی مردی به عمران بن حصین رضی الله عنه گفت: ما را از کتاب خدا قرآن سخن بگو، و او داشت سخن از سنت و حدیث رسول الله ﷺ می‌آورد عصبانی شد و گفت: سنت بیان کننده و

تفسیر کننده کتاب خداست، اگر سنت نبود نمی دانستیم که نماز ظهر چهار رکعت است و مغرب سه رکعت است، و صبح دو رکعت است، و تفصیل و شرح احکام زکات و غیر از این ها که در سنت است نمی دانستیم.

و اخبار بسیاری از صحابه ش در تعظیم شأن سنت و جوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت به آن وارد شده است. و همچنین عبدالله بن عمر رضی الله عنه وقتی روایت کردند که رسول الله ﷺ فرمودند: «**لا تمنعوا إماء الله مساجد الله**». [متفق علیه].

کنیزان خدا (زنان مسلمان) را از رفتن به مساجد منع مکنید. بعضی از پسران او گفتند: سوگند به خدا که آنان را منع می کنیم، پس بر آن ها عصبانی شد و به آنان بدی گفت، و گفت: می گویم رسول الله ﷺ فرمودند، و می گوئید سوگند به خدا آنان را منع می کنیم!

و وقتی عبدالله بن المغفل المزنی رضی الله عنه (و او از صحابه رسول الله ﷺ می باشد) دید یکی از نزدیکانش سنگریزه را بر یکدیگر

پرتاب می‌کنند از آن عمل منع کرد و به او گفت رسول الله ﷺ از پرتاب کردن سنگریزه و ریگ نهی فرمودند و فرمودند: این سنگریزه ها چیزی را صید نمی‌کند، و دشمنی را شکست نمی‌دهد، و او را باز نمی‌دارد، ولیکن دندان را می‌شکند، و چشمی را بیرون می‌آورد و کور می‌کند، سپس او را در وقت دیگری دید که همان کار را انجام می‌دهد، گفت سوگند به خدا که تا ابد با تو سخن نخواهم گفت، تو را از رسول الله ﷺ با خبر می‌کنم که از آن نهی فرمودند، سپس دوباره آن را انجام می‌دهی؟

و إمام بیهقی در کتاب خود (سنن الکبری) از ایوب السختیانی تابعی جلیل روایت می‌کند که گفت: اگر سنت رسول را برای مردمی بسخن و گفتار آوردی و او گفت ما را از این واگذار و از قرآن سخن بگو، بدان که آن شخص گمراه است.

و إمام أوزاعی گوید: سنت حکم‌کننده و شرح‌دهنده کتاب خدا است، و مطلق‌های کتاب را مقید می‌کند و یا به احکامی که در قرآن ذکر نشده می‌پردازد.

چنانکه خداوند می‌فرماید: (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا

نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (النحل: ۴۴).

و قبلاً گفتار رسول الله ﷺ را ذکر کردیم که فرمودند: «أَنَا إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ». [راجع شود به ﷺ ۳۴: ۳۳].

همانا به من قرآن و مانند آن داده شده است.

و امام بیهقی از عامر الشعبي رحمة الله عليه روایت می کند که به بعضی از مردم گفت: «إِنَّمَا هَلَكْتُمْ فِي حِينٍ تَرَكْتُمُ الْآثَارَ». [البیهقی].

براستی شما هلاک و گمراه شدید وقتی اثر و سنت صحیح رسول الله ص را ترک کردید.

و امام بیهقی از امام أوزاعی روایت می کند که به بعضی از دوستان و یاران خود گفت: اگر از رسول اکرم ﷺ حدیث و سنتی بتو رسید مبادا به غیر از آن سخن بگوئی، زیرا رسول الله ﷺ ابلاغ کننده ای از جانب باری تعالی بود.

و امام بیهقی از امام سفیان بن سعید الثوری رحمهما الله روایت می کند که گفت: همانا همه علم و دانش علم به سنت و آثار رسول الله ﷺ می باشد.

و إمام مالك به طرف قبر رسول الله ﷺ رو كرد و فرمود: سخن و گفتار همه ما قابل رد است، مگر سخن و گفتار صاحب اين قبر كه قابل رد نيست!

و إمام أبوحنيفة گوید: اگر حديث و سنتی از رسول الله ﷺ آمد آن را بر سر و چشم می گذاريم.

و إمام شافعی گوید: هرگاه از رسول الله ﷺ حديث صحيحی روايت كردم و آن را نگرفتم و عمل نكردم شما را گواه می دانم كه عقل خود را از دست داده ام.

و همچنین إمام شافعی می گوید: اگر سخن و گفتاری گفتم و حديث رسول الله ﷺ بر خلاف گفته من بود، پس قول و گفتار مرا به ديوار بزنيد.

و إمام أحمد بن حنبل به بعضی از ياران خود گفت: مرا تقليد مكنيد، و إمام مالك را تقليد مكنيد، و إمام شافعی را تقليد مكنيد، و از آنجائيكه بگيريد كه ما آن را گرفتيم، (يعنى از أحاديث پیامبر اکرم ﷺ).

^۱ یعنی قول صحيح او واجب القبول است.

و همچنین امام احمد می‌گوید: تعجب کردم از اقوامی که
 اسناد و صحت اسناد حدیث رسول الله ﷺ را دانسته سپس
 می‌روند و رأی سفیان را می‌گیرند.

و خداوند می‌فرماید: (فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) [النور: ۶۳].

سپس گفت: آیا می‌دانی فتنه چیست، فتنه شرک است،
 ممکن است اگر بعضی از گفتار رسول الله ﷺ را رد کرده قبول نکند
 در قلب او گمراهی افکنده شود و هلاک گردد.

و امام بیهقی از مجاهد بن جبر تابعی جلیل روایت می‌کند در
 قول خداوند: (فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ)
 [النساء: ۵۹].

[اگر درباره چیزی اختلاف نمودید برای رفع اختلاف به کتاب خدا
 و سنت رسول الله ﷺ مراجعه کنید تا حل اختلاف از کتاب و سنت
 بیابید].

گفت: برگردانیدن بسوی خدا یعنی: بسوی کتاب او، و
 برگردانیدن بسوی رسول یعنی: بسوی سنت اوست.

پس اگر در چیزی اختلاف کردید آن را بسوی خدا و رسول خدا برگردانید.

و امام بیهقی از محمد بن شهاب زهري روايت می کند که گفت: کسانی که از علماء و دانشمندان ما رفتند و فوت کردند می گفتند اعتصام و پیروی از سنت رسول الله ﷺ نجات و پیروزی است. و موفق الدین بن قدامه در کتاب خود: روضة الناظر در بیان اصول احکام چنین می گوید: أصل و أساس دوم از دلایل، سنت رسول الله ﷺ می باشد، و گفتار رسول الله ﷺ حجت است زیرا از دلایل معجزات بر صدق و راستی اوست، و خداوند به طاعت او و تحذیر از مخالفت او امر فرموده است.

و امام ابن کثیر در تفسیر این آیه گوید: (فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) [النور: ۶۳].

یعنی: از او امر رسول الله ص، آنها را طریقه و راه و روش و سنت و شریعت اوست، پس گفتار و کردار بنی آدم با گفتار و کردار رسول الله ﷺ مقایسه و مطابقت می شود، و آنچه موافق آن بود قبول، و

آنچه مخالف آن بود مردود و بر قائل و گوینده او برگردانیده می‌شود، و آن هم هرکه خواهد باشد.

چنانکه رسول الله ﷺ فرمودند: «**من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد**». [متفق علیه].

هر کس عمل و کرداری انجام دهد که راه و روش ما بر آن نیست آن عمل و کردار مردود و غیر قابل قبول است.

پس بترسد و بر حذر باشد کسی که ظاهراً و باطناً مخالف شریعت رسول الله ﷺ باشد: (**أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ**).

که به آنان مصیبتی در قلب‌های شان از کفر و نفاق و بدعت بوجود آید. (**فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ**).

یعنی در دنیا به کشتن و یا مجازات و یا زندان و غیر از این‌ها مبتلا شوند.

از امام أحمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از همام ابن منبه روایت است که أبوه‌ریره گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: «**مَثَلِي**

وَمَثَلُكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهَا جَعَلَ الْفَرَاشُ وَ هَذِهِ الدَّوَابُّ اللَّائِي يَقَعْنَ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا وَجَعَلَ

يَحْزُرُهُنَّ وَيَغْلِبُهُ فَيَقْتَحِمْنَ فِيْهَا قَالَ فَذٰلِكَ مِثْلِيْ وَمِثْلَكُمْ، اَنَا آخِذٌ
 بِحِزْزِكُمْ عَنِ النَّارِ، هَلُمَّ عَنِ النَّارِ فَتَغْلِبُوْنِيْ وَتَقْتَحِمُوْنَ فِيْهَا». [متفق
 عليه].

مَثَلِ مَنْ وَ مَثَلِ شَمَا مانند مردی است که آتشی روشن کرده
 وقتی اطراف خود را نورانی و روشن کرد و پروانه ها و حشرات که
 اطراف آن می گردند در آتش می افزند، آن مرد جلوگیری می کند و
 نمی گذارد که پروانه ها و حشرات در آتش بیفتند ولی بر او غلبه
 کرده خود را در آتش می اندازند، فرمود: پس این مَثَلِ مَنْ وَ
 شماسست، من کمر بند شما را گرفته از آتش دور می کنم، و شما بر
 من غلبه کرده و هجوم می کنید و خود را در آتش می اندازید.

و إِمَامِ سَيُّوْطِيْ در کتاب خود: (مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ فِي الْاِحْتِجَاجِ
 بِالسَّنَةِ) (کلید بهشت در حجیت سنت رسول الله ﷺ) چنین
 می گوید:

(بدانید. خدا شما را رحمت کند. هرکس حجیت حدیث رسول
 الله ﷺ قولی و فعلی با شروط معروف آن در اصول دین را انکار کند
 ﷺ کافر می باشد، و از دایرةٔ اِسْلَام خارج است، و روز قیامت با

یهود و نصاری و با فرقه‌ها و طائفه‌های گمراه و کافر محشور خواهد شد).

و اخبار از صحابه و تابعین و کسانی که بعد از ایشان آمده‌اند از علماء و دانشمندان در تعظیم سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت آن بسیار زیاد وارد شده است.

و امید است آنچه در اینجا ذکر شد از آیات و احادیث و اخبار، برای کسی که حق طلب است کافی و قانع کننده باشد، و از خداوند برای خود و تمامی مسلمانان توفیق به آنچه رضایت آن را دارد مسئلت دارم، و سلامت از اسباب خشم و غضب او، و اینکه تمامی ما را به راه مستقیم هدایت فرماید، او شنوا و نزدیک است. و صلی الله وسلم علی عبده ورسوله نبینا محمد وعلی آله و أصحابه واتباعه بإحسان.

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

مفتی عام عربستان سعودی و رئیس کبار علماء

و رئیس دایرهٔ بحث‌های علمی و فتوای شرعی